

اوج قداست و خویشنداری در مقام رضا

(بررسی تطبیقی دریافت امین الشواربی و علی عباس زلیخه از غزل ۴۰۲ حافظ)

سید فضل الله میرقادری^۱

چکیده

بسیاری از شاعران برجسته و نام آور پهنه‌ی ادبیات پارسی، همواره مورد توجه و عنایت ادیبان و پژوهشگران جهانی قرار گرفته اند. از جمله این شاعران شمس الدین محمد حافظ شیرازی است. از میان ادیبان پهنه‌ی ادبیات عربی، ابراهیم امین الشواربی و علی عباس زلیخه، به عنوان دو ادیب و شاعر، عنایت ویژه‌ای نسبت به حافظ داشته و هر یک از آن دو، از اشعار حافظ برداشت مهمی عرضه کرده و به زبان عربی نگاشته‌اند. در این پژوهش برداشت آنان از غزل ۴۰۲ (بر اساس نسخه غنی قزوینی) ذکر و مورد تحلیل و تطبیق قرار گرفته و سرانجام پس از نتیجه‌گیری، برداشت نگارنده نسبت به هر بیت به زبان عربی عرضه شده است. آنچه از بررسی تطبیقی برداشت دو ادیب از بیت‌های غزل بر می‌آید نشان‌گر آن است که برداشت الشواربی در بیشتر بیت‌های این غزل که به صورت نثر نگاشته است، به سبب اینکه مدتها در شیراز زندگی کرده است، بلیغ‌تر از برداشت زلیخه است؛ ولی نمود عنصر عاطفه در دریافت زلیخه که به صورت شعر و نثر است جذاب تر و تأثیر گذارتر از برداشت الشواربی است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی، نظریه‌ی دریافت، حافظ شیرازی، ابراهیم امین الشواربی، علی عباس زلیخه

۱. مقدمه

اهمیت ادبیات تطبیقی به کشف حوزه‌های هنری در نقد ادبی جدید بستگی دارد و به کشف روابط آثار ادبی ملت‌های مختلف می‌پردازد و با دگرگونی‌هایی توجه دارد که یک ملت یا یک نویسنده در آثار ملت‌های دیگر ایجاد می‌کند. با پیدایش نظریه دریافت در دهه‌های آخر قرن نوزدهم، به نقش خواننده در نقد متون توجه ویژه‌ای شد. این نظریه به خواننده‌نگاهی متفاوت از دیدگاه‌های گذشته دارد؛ زیرا خواننده از این دیدگاه پذیرنده‌ای منفعل نیست که تحت تأثیر ایده‌های نویسنده‌ای قرار گیرد، بلکه او خود سازنده و پویا است و معنای دوباره‌ای به متن ادبی می‌دهد.

ارتباط و تعامل دو زبان غنی فارسی و عربی از گذشته مورد توجه بوده و در طول تاریخ به سبب روابط مداوم ایرانیان و عرب‌ها، ارتباط نزدیکی پیدا کرده‌اند. از میان شاعران و ادیبان بزرگ جهان، حافظ شیرازی تأثیر زیادی در ادبیات همه ملت‌ها از جمله ادبیات عربی داشته است. "او به غزلیات زیبا و جذاب و عارفانه اش شهرت دارد، با آن که قصیده‌های ممتاز کوتاه و قوی و رباعیات و قطعه‌های زیبایی دارد." (نیک نام، ۱۳۸۱: و) بعضی از ادیبان پهنه‌ی ادب عربی به شعر او توجه ویژه داشته و مفاهیم آن غزل‌ها را به زبان عربی ترجمه یا به صورت برداشت مشروح نقل کرده‌اند. از جمله ادیبانی که به برداشت از شعر حافظ پرداخته‌اند، ابراهیم امین الشواربی و علی عباس

^۱ استاد زبان و ادبیات عربی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز sfmirghaderi@gmail.com

زلیخه است. در این نوشتار دریافت دو ادیب از غزل ۴۰۲ حافظ (بر اساس نسخه غنی قزوینی) عرضه و مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته و پس از ذکر تشابهات و تمایزات دو برداشت، نگارنده برداشت نهایی خویش را عرضه می‌کند. جهت دستیابی به هدف پژوهش لازم است به این سؤال ها پاسخ داده شود:

۱_ الشواری و زلیخه چه دریافت معنایی از بیت‌های غزل ۴۰۲ حافظ داشته اند؟

۲_ دریافت دو ادیب از این غزل چگونه و در چه سطحی است؟

۳_ مشترکات و تمایزات دو برداشت از هر بیت کدام است؟

۴_ دریافت نهایی نگارنده از هر بیت چگونه است؟

ضرورت و اهمیت این پژوهش به اهمیت حوزه ادبیات تطبیقی برمی‌گردد، به ویژه این که بر اساس نظریه تلقی^۲، با طرح برداشت های مختلف و بررسی آن ها و ارائه نظر با ذکر دلیل، دریچه های درخشانی در برابر خواننده گشوده خواهد گشت و شوق و نشاط و ایمان انسان نسبت به آثار با ارزش میهنی و جهانی افزوده می‌گردد و سرانجام روشن می‌گردد که با پیاده کردن مفاهیم چنین اشعاری در زندگی، می‌توان در رفع موانع و ایجاد شرایط جهت سیری پویا به سوی کمال فراهم آورد.

هدف پژوهش دستیابی به دریافت دو ادیب از ابیات غزل ۴۰۲ حافظ و ارزیابی و تحلیل و مقایسه دو برداشت و عرضه برداشت نهایی از سوی نگارنده است.

روش پژوهش به طور عام، تحلیلی- وصفی و از نظر ادبیات تطبیقی، بر اساس مکتب ادبیات تطبیقی آمریکایی است که اساس آن تأکید بر تشابه و تمایز و زیبایی های متن است.

الشواری ابیات غزل را به ترتیب ذکر کرده و پس از هر بیت، دریافت خویش را به صورت نثر بیان داشته است ولی زلیخه پس از ذکر هر بیت، برداشت خویش را به صورت شعر و به صورت نثر نگاشته است. این گونه به نظر می‌رسد که هر دو ادیب پس از بررسی نسخه های دیوان حافظ، حداکثر احتیاط را داشته اند و از غزل ۴۰۲ هفت بیت را ذکر کرده اند. در این پژوهش نسخه غنی قزوینی اساس قرار گرفته که هشت بیت است. این غزل در نسخه برگ نیسی ده بیت، در نسخه الهی قمشه ای نه بیت و در نسخه خلخال هفت بیت است.

الشواری مدتها در ایران، در شهر شیراز زندگی کرده است و با بسیاری از آداب و اصطلاحات آشناست و از نظر عاطفی و احساس در اوج است. علی عباس زلیخه شاعر سوری با این که از ابتدا بیش از پنج سال در دانشگاه به تدریس دانش جنین شناسی مشغول بوده است، به سبب شوق و اهتمامی که نسبت به زبان و ادبیات فارسی داشته، این زبان را به خوبی فراگرفته و بعضی از آثار ادب فارسی را به صورت نثر و شعر به عربی برگردانده است.

۲. ادبیات تطبیقی و نظریه ی دریافت

یکی از عرصه های مهم ادبیات، عرصه ای است که به ادبیات تطبیقی موسوم شده است. در این عرصه به بحث و بررسی روابط بین زبان های مختلف در زمینه ها و موضوعات گوناگون پرداخته می شود. نخستین کسی که تعریف کوتاهی از ادبیات تطبیقی ارائه داد، "فان تیجم" بود. او در کتابش که با همین عنوان در سال ۱۹۳۱م در پاریس منتشر شده است، چنین می نگارد:

" ادبیات تطبیقی دانشی است که به صورتی ویژه به بررسی و مقایسه آثار مختلف ادبی و روابط آنها می پردازد" (أحمد مکی، ۱۹۸۷: ۱۹۴)

در عرصه ادبیات تطبیقی می توان هر اندیشه قومی و ملی را با اقیانوس پهناور ادبیات جهانی پیوند داد. سعید جمال الدین در این باره چنین نگاشته است: "اگر بخواهیم تعریفی کلی که در بر گیرنده رویکردهای ادبیات تطبیقی باشد ارائه دهیم، می توان گفت ادبیات تطبیقی یعنی نقد علمی ادبیات دو یا چند زبان یا فرهنگ یا ملیت با یکدیگر، در روشی قیاسی و تطبیقی. این بررسی و مقایسه حتی در یک زبان، بر روی ادبیات اقوام و فرهنگ های مختلف آن نیز می تواند صورت گیرد، حتی ممکن است موضوع مطالعه، بررسی ادبیات با دیگر جنبه های فرهنگی، مانند هنر باشد." (سعید جمال الدین، ۱۳۸۹: ۹) بنا بر این عرصه های ادبیات تطبیقی گونه گون است که مهمترین آنها مقایسه انواع ادبی و مقایسه میان قالب های هنر، مقایسه بین صور خیال در ادبیات زبان های مختلف، شخصیت های ادبی یک ملت با دیگر ملت ها، مقایسه مکتب های ادبی در ادبیات زبان های مختلف، بازتاب عناصر فرهنگی و اجتماعی و سیاسی یک ملت در ملت های دیگر، ادبیات مقاومت و بررسی و چگونگی تعامل ادبیات با دانشهای دیگر مانند علوم اجتماعی، روانشناسی و مانند آن است.

در مورد این که چه منهج و روشی در عرصه ادبیات تطبیقی انتخاب کنیم، این موضوع به مکتب های ادبیات تطبیقی مربوط می شود. هر مکتب ویژگی های خود را دارد و هر موضوع با هر مکتب به گونه ای مناسب و هماهنگ است. مهمترین مکتب های ادبیات تطبیقی عبارتند از:

۱. مکتب فرانسوی که اساس آن تأثیر و تأثر است.
۲. مکتب آمریکایی که اساس آن توجه به تشابهات و تمایزات و تأکید بر زیبایی های یک اثر ادبی است.
۳. مکتب سلافی که مربوط به روسیه و اروپای شرقی است و اساس آن تحولات اجتماعی و تضاد طبقاتی در عرصه اقتصاد است.

۴. نظریه تلقی و خواننده محوری که می توان آن را مکتب آلمانی دانست. (ر.ک: مقاله، میرقادری و کیانی، ۱۳۹۰، نظریه التلقی فی ضوء الأدب المقارن، الجمعية الإيرانية للغة العربية و آدابها، العدد ۱۸).

نظر به این که موضوع این نوشتار بررسی تطبیقی برداشت ابراهیم امین الشواربی و علی عباس زلیخه از غزل ۴۰۲ حافظ است و اساس این کار نظریه تلقی است، لازم است در باره این نظریه بطور خلاصه توضیحاتی عرضه شود. کلمه "تلقی" به معنای برداشت، دریافت و گرفتن است. در قرآن کریم آمده است: "فتلقى آدم من ربه كلمات"